

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۷، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۵۰ تا ۶۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳

جبران خسارت بزه دیدگان و قربانیان جرایم در نظام حقوقی ایران و انگلیس

مسعود نقدی زرین* کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد شهر قدس، تهران، ایران.

<https://doi.org/10.5281/zenodo.15356344>

چکیده

بحث جبران خسارت یکی از بحث‌هایی می‌باشد که در مورد خسارات وارده به قربانیان و بزه دیدگان معمولاً در نظر گرفته می‌شود. گرچه این موضوع در حوزه حقوق کیفری قرار دارد ولی می‌بایست نیم‌نگاهی نیز به مقررات قانون مدنی کرده و با توجه به این دو حوزه به بررسی موضوع پرداخت. در بحث جبران خسارت، هدف جلب رضایت، اعاده وضع به وضعیت پیشین و به صورت کلی جبران عملی است که علیه بزه دیده انجام شده است. ولی در حقوق ایران به صورت نسبی این موضوع رعایت نشده و به خاطر اینکه منبعث از فقه می‌باشد بیشتر خساراتی را از پیش معین کرده و برای آن‌ها مقررات مشخصی وضع کرده است مثل دیه که به جای مجازات نیز به کار می‌رود ولی در حقوق انگلیس بسته به وضعیت پیش آمده و اوضاع و احوال موجود به خاطر خسارت وارده خسارت را در نظر می‌گیرند. از این نظر در این مقاله بحث ورود خسارت را در حقوق دو کشور مورد بررسی قرار می‌دهیم که بررسی این بحث با روش تحلیلی - توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، بزه دیده، جرم، حقوق ایران، حقوق انگلیس.

* نویسنده مسئول: masoud.zarin9@gmail.com

مقدمه

بحث قابلیت جبران خسارات از دیرباز جز موضوعات جنجال برانگیز حقوق تمام کشورها بوده است و هر کس زبانی به دیگری وارد نماید، صرف نظر از نوع آن (مالی، معنوی، بدنی و جانی) در صورت جمع بودن دیگر شرایط (فعل زیانبار، ورود ضرر وارده و رابطه‌ی سببیت) مکلف به جبران کامل همه‌ی خسارت است. جبران خسارت عامل اصلی در تعیین آثار مسئولیت مدنی در تمام نظام‌های حقوقی است. شخصی که از فعل زیان بار متضرر شده است جبران خسارت وارد آمده را مطالبه می‌نماید. الزام به جبران خسارت تا اندازه‌ای اثر تأدیبی بر خطاکار دارد و در عین حال زیان‌دیده (منجی علیه)، آن را التیام بخش صدمه‌ای می‌داند که به او وارد شده است. علاوه بر این، حکمی که خطاکار را ملزم به جبران خسارت می‌کند، ممکن است خطاکار و دیگران را از ارتکاب آن خسارت (ضرر و زیان، جرم) در آینده باز دارد. سرانجام اینکه الزام به جبران خسارت عموماً مانع از آن می‌شود که زیان زننده، منفعتی را از طریق فعل زیانبار ارتكابی به دست آورد. در نظام‌های مختلف حقوقی از جمله ایران و انگلستان، روش‌های مختلفی برای رسیدن به این هدف و اجرای تعهد شخص متعهد در جبران خسارت وجود دارد [۱].

ضرورت جبران همه زیان‌هایی که به دنبال جنایت واقع شده غیر قابل تردید است. لکن در ایران با توجه به تقدیر واکنش‌های مقرر در ازاء جنایات عمدی و غیر عمدی در اینکه آیا علاوه بر قصاص یا دیه می‌توان جانی را به جبران زیان‌هایی از قبیل از کارافتادگی و هزینه‌های درمان و غیر آن ملزم، ساخت اختلاف شده است به نظر می‌رسد زیان و خسارت همراه یا ناشی از جنایت چنانچه اولاً مستند به جانی بوده و ثانیاً با اجرای قصاص یا پرداخت دیه همچنان جبران نشده باقی مانده باشد باید از طرف جانی جبران گردد. غالب نویسندگان در بررسی‌های خود موضوع را به جنایات غیر عمدی محدود کرده اند و فقط جبران خسارت مازاد بر دیه را مورد توجه قرار داده اند و در همین راستا مولفین بسیاری، تصریح ادله مبنی بر مقدر بودن دیه را مانع پذیرش خسارتهای مازاد آن دانسته اند، گروهی دیگر نیز با تأکید بر لزوم جبران تمام، ضرر، بر ضرورت پرداخت خسارت علاوه بر دیه پای فشرده‌اند. انعکاس تضارب دیدگاه‌های متغایر در فرآیند تقنین کیفری نیز حکایت گر اهمیت آثاری است که تبعیت از هر یک از این نظریات در پی خواهد داشت. بسیاری از حقوق دانان در بررسی امکان ضمان مازاد بر دیه توجه خود را به ماهیت دیه معطوف داشته بر این باورند که اگر، دیه جبران خسارت تلقی شود نمیتوان ثبوت ضمان علاوه بر آن را پذیرفت زیرا در این صورت بدیهی است که شارع در مقام بیان نحوه جبران خسارت به همه زیان‌های ناشی از جنایت توجه داشته، از پیش بینی جبران بخشی از آن غفلت نورزیده است [۲].

مفهوم جبران خسارت

خسارت، هم به معنای زیان وارد شده است و هم به معنای مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به زیان دیده داده شود که در این معنا، واژه غرامت نیز به کار برده می‌شود [۳].

منظور از شیوه های جبران خسارت قراردادی، راهکارهایی است که برای تدارک زیان وارده به متضرر، به دلیل نقض تعهد در فقه امامیه، حقوق ایران و اسناد مهم حقوق بازرگانی بین المللی پیش بینی شده اند. لازم به ذکر است که شیوه های جبران خسارت قراردادی، برای مثال الزام به انجام عین تعهد، مطالبه خسارت و حق فسخ ناشی از قرارداد^۲، را نباید با شیوه های پیشگیرانه، مانند حق حبس، حق تعلیق اجرای قرارداد، حق فسخ متعاقب یا پیش بینی عدم اجرای قرارداد، اشتباه گرفت، چرا که در شیوه های پیشگیرانه، طرفین قرارداد در مرتبه ای قبل از نقض تعهد میتوانند با لحاظ شرایط خاصی آن‌ها را اجرا و از ورود زیان به خودشان از بابت نقض تعهد جلوگیری نمایند و جنبه پیشگیرانه دارند، برعکس شیوه های جبران خسارت قراردادی، ناظر به مرتبه ای پس از نقض قرارداد هستند و دارای خصیصه ی جبرانی می‌باشند [۴].

باتوجه به مصادیق ذکر شده ضرر در فقه که هم شامل «ضرر مادی» و هم شامل «ضرر معنوی» می‌گردد، برخی از نویسندگان برای ضرر معنا و مفهوم عرفی برشمرده اند و هر نوع تعریفی را در جهت فهم معنای عرفی آن معرفی نموده اند. به نظر می‌رسد، رسا ترین تعریف چنین باشد: «از دست دادن هر یک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که بشر می‌تواند از آن بهره مند گردد.

در حقوق انگلستان از واژه خسارت^۳ (در صیغه مفرد) استفاده شده است و در توصیف آن همانند حقوق ایران از کلمات مشابه از قبیل ضرر و زیان^۴، لطمه و صدمه بدنی^۵ هر گونه آسیب^۶ استفاده شده است. خسارات ممکن است به شخص یا اموال^۷ او وارد شده باشد [۵].

اما جمع این کلمه (خسارت) متمایز از مفرد آن و به معنای تاوان یا غرامت پولی^۸ است که در مقام جبران ضرر یا زیان های وارده به شخص یا اموال او در اثر ارتکاب یک فعل غیر قانونی، ترک فعل یا عمل خطاکارانه حکم به پرداخت نقدی می‌شود [۵].

ممکن است علت پرداخت خسارت ارتکاب یک فعل مسئولیت مدنی^۹ و از این حیث تفاوتی میان مسئولیت مدنی و نقض قرارداد وجود ندارد و ویژگی بارز این غرامات، پرداخت مبلغی پول است. هدف از جبران خسارت، اعاده وضعیت زیان دیده به قبل از ورود خسارت یا ارتکاب فعل زیان بار می‌باشد که این امر با پرداخت مبلغی پول، میسر می‌شود [۶].

این ویژگی متفاوت با حقوق ایران می‌باشد. در سیستم کامن لا و به تبع آن حقوق انگلستان پرداخت غرامت به پول اولین و مهمترین ابزار یا روش جبران خسارت است. اما در حقوق ایران

^۲ - بر همین اساس، نویسندگان نظام حقوقی کامن لا ذیل عنوان «شیوه های جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد» تنها ضمانت اجرایی، برای مثال الزام به انجام عین تعهد، مطالبه ی خسارت، فسخ قرارداد و مانند این‌ها را، مورد مطالعه قرار داده اند و اشاره ای به شیوه های پیش گیرانه نداشته اند:

³ Damage

⁴ loss

⁵ injury

⁶ detriment

⁷ property

⁸ Pecuniary compensation

⁹ Tort

پرداخت غرامت به پول اولین راه حل ممکن نمی باشد. بطور مثال، در ماده ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون مدنی ایران در بحث غصب این مطلب آمده است. موارد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی در باب اتلاف و تسبیب، به لحاظ تلف عین مال و عدم امکان استرداد آن، در ابتدا مثل و در صورت عدم امکان به لحاظ تعدّر رد مثل یا نایاب شدن آن،^{۱۰} قیمت آن پرداخت می شود.

• در حقوق انگلیس خسارات عام یا مستقیم: نتیجه طبیعی و ضروری عمل خطاکارانه شخص است. گاهی اوقات به آن خسارات نزدیک یا زیان های مستقیم گفته می شود که اثر مستقیم نقض قرارداد است. که نسبت به آن طرح دعوی شده است، این یک زیان معمولی و قابل پیش بینی می باشد [۷].

• خسارات خاص یا غیر مستقیم: خساراتی است که نتیجه طبیعی ولی نه ضروری و اجتناب ناپذیر خطا یا عمل زیانبار شخص است. این واژه معادل خسارات غیر مستقیم نیز می باشد و شرایط پرداخت آن بر طبق قابلیت پیش بینی خسارات است، چنین ضرر و زیان هایی بطور مستقیم و فوری از عمل شخص ناشی نمی شود و پیامدهای غیرمستقیم و مع الواسطه عمل شخص است و در اثر دخالت شرایط و اوضاع و احوال خاصی که معمولاً غیرقابل پیش بینی است، بروز می نماید [۸].

• خسارات بیش از حد مقرر قانونی:^{۱۱} خساراتی که توسط هیات منصفه حکم به پرداخت آن می شود و مبلغ آن براساس اوضاع و احوال و وقایع خاص پرونده بیشتر از مبلغی است که قانون حکم می نماید که به آن خسارات غیر متعارف^{۱۲} و خشونت آمیز گفته می شود [۹].

مک گرگور [۷] تعریف نسبتاً کاملی از واژه خسارت بیان می کند. «جبران خسارت عبارت است از پرداخت مبلغی پول یا غرامت که بواسطه طرح دعوی و صدور حکم به نفع خواهان قابل مطالبه و دریافت می باشد. جبران خسارت ممکن است به واسطه ارتکاب یک عمل مسئولیت مدنی یا ناشی از نقض یک قرارداد باشد.

در حقوق انگلیس اثبات ورود خسارت مقوله ای بسیار پیچیده می باشد که در هر پرونده براساس اصول کلی حاکم بر ارزیابی خسارت و به صورت موردی انجام می پذیرد. در برخی موارد محکمه به لحاظ عدم امکان اثبات ورود خسارت، تنها حکم به پرداخت یک مبلغ اسمی یا ناچیز می نماید. لذا مقوله اثبات و ارزیابی خسارت در حقوق انگلیس را باید با دید عمیق تری در ارتباط با قرارداد های بیع بین المللی کالا مقایسه نمود [۱۰].

^{۱۰} در فقه نایاب شدن مال را اعزاز و رد مال به قیمت آن روز را يوم الاعزاز گویند که در برابر يوم الغصب، يوم التلف قرار می گیرد.

^{۱۱} Excessive damages

^{۱۲} Unreasonable

خسارات های ناشی از صدمات بدنی قربانیان جنایت

در حقوق ایران و انگلستان هرکس عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا به هر حق دیگر که قانون برای افراد در نظر گرفته لطمه ای وارد نماید موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. قانون، مدنی جبران خسارت را بر عهده مباشر قرار داده است بنا به ماده ۳۲۲ (ق.م.) هرگاه یک نفر سبب تلف مالی شود و دیگری مباشر تلف آن مال شود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر این که سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او. باشد ماده ۵۲۶ (ق.م.) بیان میکند که هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند در صورتی که مباشر در جنایت، بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است». بنابراین، زیان دیده می‌تواند با جمع بودن شرایطی که در بالا ذکر شد ضرر وارده به خود را از فاعل زبان مطالبه کند [۱۱].

انگلستان

در حقوق انگلستان اصطلاح آسیب و صدمه^{۱۳} آمده است. این اصطلاح به معنای هر اشتباه، خطا، تقصیر یا خسارتی می‌باشد که نسبت به دیگری و یا اینکه نسبت به شخصیت، حق، شهرت یا اموال او ایجاد می‌شود [۵].

این اصطلاح اصولاً در مواردی به کار می‌رود که صدمه ای به تمامیت جسمانی انسان یا اموال او وارد شده است و از آن جا که شامل شهرت و... نیز می‌شود معلوم می‌گردد که انواع صدمات مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. به طور کلی این اصطلاح برای توضیح خطایی و نقض کردن است، مثلاً صدمه ای که نسبت به فرد یا اموال^{۱۴} او اتفاق می‌افتد که می‌تواند در نتیجه نقض قرارداد یا جرم باشد و جبران آن نیز می‌تواند با اقامه دعوا باشد [۱۲].

در حقوق انگلستان اصطلاح جسمی و بدنی^{۱۵} می‌باشد یا اصطلاح جسمانی و بدنی^{۱۶} است و لذا منصرف از هر چیزی که غیرجسمی است، مثلاً شامل صدمه ذهنی و روحی و روانی نمی‌شود. در حقوق انگلستان آسیب یا جراحت^{۱۷} و صدمه ای که نسبت به انسان اتفاق می‌افتد، از قبیل بریدن، جدا کردن، کوبیدن، کبود شدن، شکستن عضو. همانطور که پیداست این عبارت فقط برای صدماتی که به روی انسان واقع می‌شود به کار می‌رود. اگرچه آسیب جسمی و آسیب بدنی دو عبارتی هستند که برای آسیب و صدمه بدنی بکار می‌روند و شامل ترس و استرس ذهنی و

¹³ injury

¹⁴ Civil injury

¹⁵ Bodily

¹⁶ Physical

¹⁷ Personal injury

احساسی نمی‌شوند اما نکته مهم این است که این دو اصطلاح مترادف نیستند ولی می‌توانند به عنوان معادل به کار روند [۵].

در مجموعه قوانین کیفری انگلستان از صدمه‌هایی که موجب خطر مهم برای سلامتی بدن می‌شود و یا اینکه آثاری که بر جای می‌گذارد مهلک و کشنده است و یا اینکه منجر به نقص یا قطع عضو شود نام برده است. بطور کلی در مجموعه قوانین کیفری انگلستان تعریف موسعی از صدمات بدنی بیان شده است. صدمه بدنی یا خسارت جسمی در حقوق ایران و انگلیس به آسیب‌هایی گفته می‌شود که به تمامیت جسمی انسان وارد می‌شود. به علاوه هرگونه فعل یا ترک فعلی که منتهی به از دست رفتن کارکرد طبیعی یک عضو از بدن شود، خواه بطور کلی یا جزئی، به نوعی که دیگر کارکرد طبیعی آن عضو صورت نگیرد صدمه بدنی می‌باشد [۱۳].

ایران

ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بر اساس قول مشهور فقیهان، اسلامی در اجتماع سبب و مباشر نتیجه را به مباشر مستند میدانست، مگر آنکه ابتدای فعل، مباشر بر اقدام سبب بوده یا عدوان وی منسوب به سبب باشد که در این صورت سبب اقوی از مباشر، بوده، همان ضامن قلمداد می‌گردید ماده مذکور چنین مقرر می‌داشت:

در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد.

این ماده که در تبعیت از رأی مشهور فقیهان اسلامی تصویب شده است متکی بر مبانی نظری و روایی مستحکم بوده از پشتوانه استدلال عقلی نیز برخوردار است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تجدیدنظر در قاعده، مذکور درباره چگونگی استناد جنایت به عواملی که به صورت سبب و، مباشر اجتماع کرده اند، به شرح ماده ۵۲۶ آورده است:

«هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئولند در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار جاهل صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد، فقط سبب، ضامن است».

فقها و حقوق دانان در این که صدمه بدنی را به طور مستقل بررسی کنند یا زیر مجموعه یکی از ضررهای مالی و معنوی بدانند اختلاف نظر دارند. علت اختلاف این است که وقتی صدمه‌ای به بدن کسی وارد می‌شود موجب هزینه‌هایی برای وی است که در بعضی مواقع هزینه‌هایی دارد که واقعاً سرسام آور هستند، مخصوصاً هزینه‌هایی که به عنوان دستمزد پزشکان پرداخت می‌شود. از سوی دیگر صدمه بدنی در بیشتر مواقع منجر به صدمه روح و روان، افکار و آرامش در زندگی فرد می‌باشد و به عبارت دیگر اصولاً خسارت معنوی دارد. پس باید گفت در مواقعی که صدمه بدنی وارد و منجر به خسارت مالی و معنوی شده است و همه اینها را موجب شده است [۱۴]. صدمه

بدنی، هرگونه آسیب و صدمه‌ای است که بر تمامیت جسمی و بدنی فرد وارد می‌شود [۱۵]. ولی می‌توان تعریف کامل تری ارائه داد که شامل آسیب‌ها و صدمات روانی نیز باشد و لذا به نظرمی رسد که این تعریف مناسب باشد، صدمات بدنی آسیب‌هایی می‌باشند که به تمامیت جسمی یا شرایط عصبی انسان وارد می‌شوند. نکته این تعریف آن است که شرایط عصبی می‌تواند بدون هیچ آسیب مادی جسمی، باعث زوال عقل، شوک‌های عصبی و آسیب‌های روانی این چنین می‌شوند. شاید گفته شود فوت را نمی‌توان صدمه بدنی دانست، بلکه نتیجه حاصل شده از صدمه بدنی است؛ این مطلب اگرچه نادرست نیست، اما بهتر است فوت را نوعی صدمه بدنی بدانیم چون در هر حال جسم انسان زنده را نابود می‌کند و این نابودی را می‌توان صدمه و آسیب بدنی دانست، اگرچه تفاوتش با سایر صدمات در همان خروج روح از بدن می‌باشد [۲].

ورود و اثبات زیان یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی و جبران خسارت مهم ترین هدف آن است. از این رو، بدیهی می‌باشد که در مسئولیت مدنی تعیین خسارات قابل جبران و گستره جبران پذیری این خسارات از اهمیت بسزایی برخوردار است و عمده ی مباحث این علم را به خود اختصاص می‌دهد [۱۶]. دو سئوالی که پاسخ به آن در این رابطه مهم و راه گشا می‌باشد این است که: در حقوق چه خساراتی قابل جبران می‌باشد؟ یک خسارت تا چه حد و تا چه اندازه ایی قابل جبران است؟

در بعضی از نظام های حقوقی، لزوم جبران کلیه خسارات و جبران کامل خسارت وارده بر زیان دیده، به عنوان دو اصل بنیادین حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته هر کس زیان ناروایی، صرف نظر از نوع آن، چه مالی باشد، چه معنوی، چه جانی و چه بدنی، به کسی وارد آورد مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشد؛ خواه قانونگذار حکم به جبران آن داده باشد و خواه نداده باشد بر طبق اصل لزوم جبران کامل خسارت نیز جبران زیان باید تا به آن حد باشد که خسارت زیان دیده را کاملاً جبران و وی را حد المقدور در موقعیتی مشابه ی قبل از زیان وارده، قرار دهد [۱۷].

نگرش حقوقدانان ایرانی، که به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر حقوق فرانسه بوده اند و موجب پذیرش این دو اصل حقوقی در آراء و استدلالات حقوقی آنها می‌باشد. جهت تحقق مسئولیت مدنی ما نیازی به نص خاص قانونی نداریم و در مسئولیت مدنی این حکم به عنوان یک قاعده پذیرفته شده که هر کس به دیگری خسارتی وارد آورد باید آن را جبران نماید و دادرس نیازی ندارد که برای هر مسئولیت مبنای قانونی خاص و ویژه‌ای بیابد [۱۵].

مخالفت‌های گوناگون به ویژه از جانب فقها در مقابل این نظر وجود دارد که مشهور فقها (شیخ مرتضی انصاری و احمد خوانساری) می‌فرمایند که تنها بعضی از خسارات قابل جبران هستند و خسارات دیگر، علی رغم اینکه عرف آنها را خسارت قابل جبران می‌داند، قابل جبران نیست. لازم نیست خسارت وارده به زیان دیده به نحو کامل و موثر جبران شوند، بلکه جبران خسارات تابع یک سری ملاحظات می‌باشد که از سوی قانونگذار مورد رعایت قرار گرفته و تنها در چارچوب آن ملاحظات می‌باشد که خسارات قابلیت جبران را پیدا می‌کنند [۱۶].

اگرچه ظاهراً حکم ماده ۵۲۶ مانند آنچه در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ آمده است به جنایت منحصر شده است، اما از آنجا که جنایت، فاقد خصوصیتی، است که قواعد ناظر به تشخیص رابطه استناد منصرف از غیر آن باشد، ضوابط تعیین عامل ضامن بر همه جرائم مقید به نتیجه و کلیه خسارتها و زیانهای حاصل از دخالت عوامل مختلف در همه دعاوی جزایی و مدنی حاکم است چنانکه تأکید بر وحدت ملاک در احراز رابطه استناد در بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی نیز منعکس بوده، قانونگذار هیچ تفاوتی بین جنایت صدمه یا خسارت قائل نشده است. اطلاق، ماده مبین تسری حکم آن به اجتماع عرضی سبب و مباشر، علاوه بر اجتماع طولی، آنهاست زیرا پذیرش امکان استناد نتیجه به همه عواملی که به صورت سبب و مباشر اجتماع کرده اند در این ماده و نیز عدم تصریح به انحصار مفاد ماده ۵۲۶ به اجتماع طولی عوامل برخلاف آنچه در ماده ۵۳۵ در خصوص اجتماع اسباب آمده است قرینه ای بر تقویت شمول حکم آن به همه صورتهای اجتماع سبب و مباشر است. این رویکرد ممکن است برآمده از این تصور نابجا باشد که تفصیل اجتماع عوامل، به اجتماع طولی و عرضی منحصرأ مربوط به اجتماع اسباب است؛ غافل از آنکه تأثیر فعل هر یک از سبب و مباشر نیز مانند آثار فعل هر یک از اسباب، ممکن است مترتب بر یکدیگر یا همزمان در حدوث نتیجه دخالت کنند. مانند آنکه شخصی غذای دیگری را آلوده به سم کند و دیگری پس از مسمومیت مجنی علیه، وی را مجروح سازد و نهایتاً آثار سم و جرح موجب مرگ شود. در این صورت اجتماع سبب و مباشر در عرض یکدیگر موجب تحقق شرکت در جنایت شده هر دو بطور یکسان نسبت به نتیجه حاصل ضامن خواهند بود. لذا نمی توان قواعد ناظر به اجتماع طولی سبب و مباشر را به اجتماع عرضی آنها تسری داد [۱۸].

اهمیت دیه به عنوان یکی از راه های جبران خسارت در ایران

بعضی از نویسندگان با تمسک به برخی، قرائن بر ماهیت کیفری دیه تصریح داشته اند و آن را در عداد عقوبات قلمداد کرده اند بر اساس این رای که در تالیفات فقهیان فاقد سابقه به نظر میرسد - دریافت هرگونه خسارت مازاد بر دیه با تقدیر نوعی و کمی آن معارض نخواهد بود زیرا موضوع مجازات و هدف، آن، با آنچه به صورت پرداخت خسارت جبران میشود متمایز است؛ بنابراین شارع در مقام تشریع دیه به عنوان کیفر به خسارتها و زیانهای مالی ناشی از جنایت نظر نداشته، فقط درصدد بیان مجازاتی بوده است که از تبعات و آثار جنایت تلقی میشود. از این رو، مسئولیت جانی نسبت به سایر زیانهای ناشی از فعل، وی ذیل عمومات ادله ضمان ثابت است. گروهی دیه را واجد ماهیتی دوگانه دانسته اند و براین باورند که دیه از یک سو دارای جنبه کیفری است چون پرداخت آن موجب تنبه و بازداشتن از ارتکاب جنایت است و از سوی دیگر برخوردار از وجه مدنی میباشد زیرا که به وسیله آن خسارت وارد بر مجنی علیه نیز جبران می شود [۱۹].

این گروه مقدر بودن دیه را مانع پذیرش جبران زیانهای دیگر ندانسته اند و در تلاش به منظور توجیه پرداخت خسارت مازاد بر، دیه مقطوع بودن آن را به معنی تعیین قانونی حداقل ضرر ناشی از جنایت تلقی کرده اند که به عنوان مجازات جانی و به منظور تشفی خاطر، قربانی، به او داده

میشود. توجیه چهره دوگانه دیه فاقد استحکام منطقی و مستندات لازم است. زیرا صرف مقدر بودن ضمان یا تنبه ناشی از پرداخت دیه و نقش بازدارندگی آن نمی تواند به عنوان دلیل بر وجه کیفری دیه و یا حتی قرینه ای بر دوگانگی ماهیت آن باشد. زیرا اولاً در حقوق جزای اسلامی مجازاتها در همه موارد مقدر نبوده از قطعیت و حتمیت ابتدایی برخوردار نیستند؛ ثانیاً، تأثیر موردی و اتفاقی دیه در تنبه و اصلاح جانی و نیز اثر آن در بازداشتن دیگران از خطای جزایی و ارتکاب جنایت قاصر از آن است که دلیلی بر تقویت چهره کیفری دیه قلمداد گردد زیرا اینگونه آثار در بسیاری موارد در مسئولیت مدنی نیز ثابت است [۲].

از طرف دیگر این ادعا که شارع در تقدیر دیه میزان حداقل ضرر ناشی از این جرائم را اراده کرده است ادعایی بدون دلیل و فاقد مدرک است. به نظر میرسد در بررسی امکان جبران زیانهای ناشی از جنایات نمی توان ثبوت ضمان را تابع چیستی و ماهیت واکنشی که ما به ازای جنایت است دانسته و در یک حکم کلی به طور مطلق به تکلیف جبران خسارت یا عدم آن قائل شد، بلکه لازم است آثار زیان باری که به دنبال جنایت واقع شده است را با توجه به موقعیت آنها نسبت به جنایت به درستی تشخیص داد و پس از تعیین آنچه با پرداخت دیه یا قصاص جبران میشود هر یک را از جهت وجود یا عدم مسئولیت مرتکب در جبران آنها، مورد ارزیابی قرار داد [۱۷].

از این رو پیش از پرداختن به زیانهای همراه با جنایت لازم است به منظور حذف زوائد و جلوگیری از ورود به حوزه های غیر مرتبط با موضوع بحث، نکات اساسی ذیل که در اینجا به اختصار مطرح میگرد، مورد توجه قرار گیرد:

۱. ضرورت جبران، ضرر به عنوان یک قاعده کلی مورد اتفاق حقوقدانان اسلامی است. علاوه بر بنای عقلا قواعد بسیار دیگر مانند لاضرر و نفی اضرار و نیز قواعد نفی حرج و تسبیب و عمومات و اطلاعات سایر ادله ضمان اینکه بر هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند تأکید دارند، بنابراین هر صورت از خسارت و زیان متوجه جان اشخاص و یا مال آنها شود باید به وسیله عامل ضرر و در مواردی دولت و .. جبران و ترمیم گردد.

۲. شرط اساسی در ضمان اشخاص نسبت به زیان، حادث اسناد مادی ضرر به آنهاست احراز رابطه استناد میان صدمه و خسارت با فعل ارتكابی «مهم ترین رکن در ثبوت مسئولیت جانی میباشد مداخله جانی در وقوع زیانها و صدمات وارده به نحوی که اسناد نتایج مذکور به وی ممکن گردد به یکی از دو صورت مباشرت یا تسبیب انجام میشود. بنابراین هرگاه جانی بالمباشره یا بالتسبیب در حدوث زیانهای مالی که متوجه مجنی علیه شده است مداخلتی نداشته باشد خسارتهای وارده به وی نسبت داده نمیشود و از این جهت هیچگونه ضمانی نخواهد داشت. هر چند وقوع ضرر متوقف بر اقدامات او باشد و بر نحو شرط در آن دخالت داشته باشد.

۳. منع الزام به جبران دوباره، ضرر امری بدیهی است زیرا خسارت و صدمات جبران شده، نمیتواند دیگر بار موجب ضمان شود چرا که با جبران سابق آن، موضوع منتفی شده ضرر و زیان مستلزم ضمان، از میان رفته است.

۴. دیه مانند قصاص - واکنش مقدری است که برای ارتکاب جنایت از سوی شارع مقرر شده و با هدف جبران تمام یا بخشی از صدمات و خساراتی که متوجه مجنی علیه شده است اعمال میگردد پس اگر با پرداخت دیه یا اجرای قصاص ضرری جبران شود، نمیتوان جانی را همچنان نسبت به زیان جبران شده، مسئول دانست [۲۰].

نتیجه گیری

چنانکه کاستیهای علمی موجود در تدوین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به وضوح قانونگذار را در موارد متعدد با این مشکل مواجه کرده است. موضوع رابطه استناد و پریشانی ضابطه در احراز آن و احکام مربوط به این رابطه در اجتماع طولی عوامل نیز از جمله این موارد است. بی توجهی به جایگاه و طبیعت، موضوع ابهام در واقعی و عینی بودن این رابطه و نیز غفلت از مطالعات وسیعی که در تألیفات فقهی در این باره انجام شده است، به اتخاذ مبانی متغایری منجر شده است که نتیجه ای جز تزلزل مهمترین ضوابط قطع و فصل دعاوی نخواهد داشت. قانونگذار در این قانون در مقام بیان ضابطه در تشخیص عامل ضامن در موارد اجتماع سبب و مباشر بی آنکه ملاک روشنی تعیین کند، ظاهراً ضابطه را به تفاهم عرف واگذار کرده است و این به آن معنی است که احراز رابطه استناد در اجتماع مباشر - برخلاف اجتماع اسباب ماده ۵۳۵ از ضابطه واحدی تبعیت نکرده بلکه دادرسی میتواند در هر دعوی و متناسب با شرایط آن به معیار متفاوتی متوسل شود. این در حالی است که اصولاً ضابطه تشخیص در امور واقعی و عقلی به عرف واگذار نمیگردد؛ زیرا مرجعیت عرف به موضوعات عرفی منحصر است. به علاوه، پذیرش اختلاف ضابطه در هر پرونده بر اختلاف شرایط اجتماع سبب و مباشر در هر دعوی دلالت دارد لذا تشخیص شرایط مؤثر در اتخاذ موازین مناسب با هر دعوی از اهمیت اساسی برخوردار است زیرا بدون آن امکان رجوع به عرف برای تعیین ضابطه عادلانه منتفی می‌گردد.

قانونگذار گاه ضامن سبب را مبتنی بر نقش مادی آن در حدوث نتیجه مورد توجه قرار داده است و سبب مقدم در تأثیر را مسئول شمرده است و در مواردی صرف نظر از موقعیت عینی و واقعی، اسباب رابطه استناد را پیوندی ذهنی و غیرمادی تصور میکند و با تکیه بر عمد و قصد عوامل همه اسباب عامد را به تساوی ضامن و شریک در زیان، به شمار می‌آورد؛ بدون آنکه تمایزی بین اسباب دور و نزدیک قائل شده یا ممیزات شرکت از معاونت را در این امر لحاظ کند؛ گاه نیز مبانی متغایر مذکور را رها کرده است و طی یک ضابطه خودساخته و بی سابقه مبتنی بر زمان حدوث سبب و نیز عمد و قصد، وی سبب مؤخر در حدوث را ضامن شناخته است. سزاوار آن است که قانونگذار ضوابط سست و بی بنیاد مذکور در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درباره رابطه استناد را کنار گذاشته و با بهره مندی از مطالعات عمیقی که به ویژه در منابع فقهی انجام شده است با اتخاذ مبنایی، واحد موازین منطقی منطبق با شرع و هماهنگ با سایر نهادهای حقوقی را مقرر داشته مانع به هم ریختگی امر قضا و تضییع حقوق مردم گردد.

باید توجه داشت که به دلیل اولیه بودن طریق جبرانی خسارت در میان سایر طرق جبرانی در انگلستان، نظام حقوقی این کشور به تعیین ضوابط دقیقی مبادرت ورزیده که تعیین خسارت کامل بر اساس آنها قاعده مندر و دقیق‌تر می‌باشد؛ دست به دست دادن معیارهای ارزیابی چون خسارت متوقع، اتکایی و اعاده‌ای با مؤلفه‌ها و زیر مجموعه‌های مشخص و تعیین دقیق موانع و شرایط ایجاد حق مطالبه خسارت، قسمتی از این ساختار قاعده‌مند می‌باشد. در مقابل حقوق ایران در قسمت خسارات به صورت کلی بیان داشته؛ نه تنها انواع خسارت قابل جبران را به صراحت تعیین نکرده، بلکه حتی در موارد تعیین شده نیز ضابطه ارزیابی خسارت را در نظر نگرفته است.

لذا با توجه به دغدغه مهم قانونگذاران در جبران خسارت بدنی و نتیجتاً جبران آسیب‌های مالی و غیرمالی مربوطه و پذیرش اصل لزوم جبران کامل خسارات، در صورت ناتوانی عامل ورود زیان و یا عدم شناسایی او دولت‌ها نیز حظی در امر جبران خسارات به عهده گرفته‌اند. جبران خسارت معمولاً از طریق پرداخت پول صورت می‌گیرد، اما عملکرد یکسانی برای جبران این خسارات در حقوق دو کشور ایران و انگلستان دیده نمی‌شود. در قوانین کیفری در مورد ایراد خسارات بدنی و جانی مبلغی با توجه به نوع و شدت خسارت وارده به عنوان دیه تعیین شده و در قوانین مدنی نیز قانون مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان بدنی را در طیف وسیعی از خسارات به رسمیت می‌شناسد. در حقوق انگلستان انواع خسارتهای معنوی و مادی ناشی از خسارات بدنی قابل جبران است اما پذیرش مبلغ معین و از پیش تعیین شده در حقوق این کشور جایی ندارد و جای خود را به ارزیابی موردی خسارت جانی داده که تعیین میزان آن براساس سن موقعیت اجتماعی ویژگی‌های زیان دیده و احوال هر مصدوم توسط کارشناس تعیین می‌شود و هنوز معیار مشخص و معینی برای جبران این خسارات در نظر گرفته نشده و سبب شده که در موارد مشابه آرای متفاوتی صادر شود.

منابع و مراجع

- [۱] آهنگر، ح، ۱۳۸۷، بررسی مصونیت در ایراد صدمات جسمانی به فرزندان در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم
- [۲] بابایی، ا، ۱۳۸۹، جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۸.
- [۳] باریکلو، ع، ۱۳۸۲، جبران خسارت بدنی در فقه اسلامی، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۱
- [۴] بازیار، ا، ۱۳۸۶، مطالعه تطبیقی جبران دولتی خسارت بزه دیدگان در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- [۵] جعفری لنگرودی، م.ج، ۱۴۰۱، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش
- [۶] حاجی ده آبادی، ا، ۱۳۸۵، مطالعه تطبیقی جبران خسارت بز هدیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی (ایران، اسلام و انگلستان)، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
- [۷] دیانی، ع، براهیم باستانی، ا، ۱۳۹۶، جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال ۱۰، شماره ۳۶.
- [۸] صادقی، م.ه، ۱۳۹۵، جبران خسارت در جنایت، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- [۹] صفایی، س.ح، ۱۳۹۴، حانیه ذاکری نیا، بررسی های تطبیقی شیوه های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲.
- [۱۰] عباسلو، ب، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- [۱۱] کاتوزیان، ن، ۱۳۷۱، ماهیت و قلمرو دیه زیان ناشی از جرم مجله کانون وکلا، شماره ۱۵۶-۱۵۷.
- [۱۲] مددی، ص، ۱۳۸۸، مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، ج اول، انتشارات میزان
- [۱۳] یزدانیان، ع، ۱۳۹۴، گام هایی در طرح مسئولیت مدنی دولت ناشی از فعل شخصی، فعل اشیا و فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۳.
- [14] Beale, Hugh (2002), Chitty on Contracts, Sweet & Maxwell Ltd publication
- [15] Beale, Hugh (2002), Chitty on Contracts, Sweet & Maxwell Ltd publication
- [16] Campbell H (1989), Black law, Dictionary, West publishing.
- [17] Harpwood V (2003), Modern Tort Law, 6th Edition, Cavendish Publishing Limited, London
- [18] Honnold John O (1999) consequential damages, uniforn law for international sales under the 1980 united Nations Convention
- [19] Lawson FH (1980), Remedies of English law, 3th. edition
- [20] Waller I (2003), Crime Victims: Doing Justice To Their Support and Protection, European Institute for Crime Prevention and Control, Helsinki.